



۲۰۱۴/۰۶/۰۴



م، نعيم بارز

## دوكتور عبدالله لذت قدرت را چشیده فشارش را هم خواهد چشید!

اگر احترام گذاشتن به مردم یک امر اخلاقی خوب است، به رأی مردم که یک حق انسانی سیاسی است نیز باید احترام گذاشت. در دور اول انتخابات ریاست جمهوری که دوكتور عبدالله عبدالله از میان هشت کاندید مقام ریاست جمهوری و از مجموع آراء، چهل و پنج فی صد را از آن خود کرد، در دور دوم در مقابل دوكتور اشرف غنی احمد زی احتمالاً با رأی بیشتری به مقام ریاست جمهوری افغانستان خواهد رسید، زیرا اکثر آلهایی که به دور دوم راه نیافتند حمایت شان را از دوكتور عبدالله کاندید پیشتاز اعلام داشته اند.

این چشم انداز با واقعیات عریان جامعه در تطابق بوده، اما بعضی به اصطلاح روشنفکران به جای آنکه وضعیت جامعه سی و پنج سال درگیر جنگ و عمر کوتاه نظام دیموکراسی را در مدت ده، دوازده سال عمیقاً مورد تحقیق و بررسی قرار داده و بعد به آرزومندی های خود بپردازند، همین که فرد دلخواه شان شانس پیروزی نیافته از درد دل سخن گفته و از دیموکراسی در افغانستان به وسواس افتیده اند.

رأی چیست؟ رأی در عین آنکه حق انتخاب و بیان یک اراده سیاسی است، عملی مبتنی بر چشم پوشی از همان اراده نیز می باشد چرا که انتخاب کننده آن را به یک کاندید تفویض می کند. پس اگر ما در شناسائی دیموکراسی از نهاد هایی که به نام «حزب»، «پارلمان» و دولت آگاهی لازم را نداشته باشیم و روی کارکرد نهاد ها توجه و نظارت نکنیم و از چگونگی آرائی که فردی را به قدرت رسانده به تحلیل و ارزیابی نپردازیم، بحث از دیموکراسی بیش از پیش پوچ و بی معنی خواهد بود. بنابراین باید بپذیریم که حتی اگر دیموکراسی به نقد کشیده نشود محکوم به فناست.

اما در این روز ها مثل دوران قبل از حاکمیت آقای کرزی که در واقعیت امر دولتی در افغانستان وجود نداشت و به نام گروه طالبان یا قبل از آن به نام پاتک ها که حالت بدتر از حالت ملوک الطوائفی در کشور به راه افتیده بود و در آن وضعیت مردم درگیر جنگ های داخلی و خارجی بودند و بخش چیز فهم کشور در سراسر جهان آواره و پناهنده شده بودند، اکثر افغان ها بدنبال یک فرد ناجی بودند، اکنون نیز همان بحث ها و آرزوها به راه افتیده است. اگر این مبحث در آن زمان مطرح بود شاید تا حدودی جا داشت، ولی در وضعیت موجود که نظام دیموکراسی، آزادی نسبی و افراد با سواد و تحصیل کرده به حد کافی در کشور وجود دارند، دیگر سخن گفتن از فرد ناجی و در انتظار زعیم ملی یا فرد کاریز ما<sup>۱</sup> بودن به جز خود و مردم را به خواب و خیال بردن حاصل دیگری در بر ندارد، در دنیای امروز باید بحث اصلی روی چگونگی سیستم های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی متمرکز گردد.

ما به فرد ناجی زعیم ملی و کاریز ما نیاز نداریم، مردم ما به احزاب سیاسی و دیموکراسی ضرورت دارد و از یاد نبریم که اسطوره ستائی و ناجی پرستی یا فرد کاریزمایی<sup>۲</sup> در آلمان منجر به ظهور نازیسم و پیروزی هیتلر شد. در روسیه استالینیزم و در ایران رژیم خمینی را بوجود آورد. متأسفانه در سراسر دوره های حساس و بحرانی سیاست در جامعه ما تحریک و اغوای عوام و عموم بوده است و هنوز هم به اصطلاح روشنفکران افغان به جای

<sup>۱</sup> مقصد نویسنده از استعمال اصطلاح (کاریزما) (کریسماتیک) است (Charismatique) که صفت کسانی است که با زبان خود و ایراد نطق یا بیان خود مردم را اغوا کند، فریب بدهد، گول بزند، بدراه کند، شیفته خود سازد، منحرف کند، زیر تأثیر بیاورد و غیره. و (کاریزم) اسم ان است (Charisme) و برای کسی گفته میشود که استعداد همه آنچه در بالا ذکر شد داشته باشد. ولی معنی (کاریزما) یا (کاریز شما) را درین جمله نفهمیدم. «ادیتور پورتال»

<sup>۲</sup> مقصد نویسنده از استعمال اصطلاح (کاریزمایی) Charismatique است که معنی اش در بالا گفته شد. از کلمه کریزماتیک فرانسوی کارزمایی ساختن به نظر من درست نیست. «ادیتور پورتال»

آنکه واقعیت های عینی و ذهنی جامعه و سیاست های منطقه ای و جهانی را در قبال افغانستان دقیق در نظر گیرند، نسخه های دلخواه خود را ارائه می دارند و لذا به این روش هر پراتیک و نظریه اجتماعی که دایره ممکنات و امکانات را در نظر نگیرد، کمکی به روند تغییر جامعه کرده نمی تواند، واقعگرایی هم الزاماً به معنای همگرایی با یک آرمان نیست، بلکه بازتاب دهنده مجبوریت ها و پذیرفتن شرایط ناگوار است، تا با صبر و شکیبایی آهسته آهسته و آرام آرام جامعه در مسیر رشد و تکامل حرکت کند.

متأسفانه آن آگاهی که بتواند پرسش ها و راه و روش های اساسی را حتی فرداً هم بر انگیزد هنوز در ما و در کشور ما به وجود نیامده و هر حادثه ای ولو هر قدر هم وخیم و تکان دهنده بوده ما را تا کنون از خواب گران بیدار نکرده و بعد از این هم تکرار آن خود به خود ما را بیدار نخواهد کرد، این وظیفه و رسالت روشنفکران و دانشمندان افغان وطن دوست می باشد که با امکانات نسبی و استفاده از تئوری ها و آثار علمی تاریخی به دانش خود افزوده و مطالبی را که تشخیص دهند پاسخگوی نیازمندی های کشور محسوب شده می تواند، در خدمت مردم خود قرار دهند.

کسانیکه از انتخابات دور اول ریاست جمهوری و شرکت هفت میلیون زن و مرد به عنوان حرکت قهرمانه و حماسه آفرین یاد می کنند در واقعیت امر از خود ستایش کرده و بخود بالیده چون خود را در نمایش این حرکت های میکائیکی ناشی از اراده محدود کسان شریک می دانند، در حالیکه از دید من هنوز اکثر مردم به آن آگاهی لازم نرسیده اند که از میان برنامه های این و آن کاندید، منافع خود و خیر و منفعت جامعه را تشخیص دهند. مردم عوام اگر در حوزه های رأی دهی رفته و ساعت ها در قطارها به انتظار رسیدن فرصت رأی دادن به سر برده اند، احتمالاً بر اساس انگیزه های قومی، مذهبی و یا بخاطر دریافت پول یکی دو روز خرچ و خوراک بوده که خواسته اند در برابر آن دین «قرض، وام» خود را ادا نمایند و الی از میان برنامه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چه می دانند که کدام یک نزدیکتر به خیر خودشان و کشورشان می باشد؟

در هر دو تیم رقیب که شانس رفتن به دور دوم را نصیب خود نموده اند، چهره هایی هستند که بیشتر از هر درک و دانش و صداقت اخلاقی خشونت و ریاکاری را در آنها می توان دید.

با این حال در دور دوم انتخابات حمایت دوکتور زلمی رسول، محمود کرزی، عبدالرسول سیاف؛ گل آقا شیرزی و امرالله صالح و غیره از دوکتور عبدالله می رساند که به رغم تفاوت دیدگاه ها اشتراک وسیع اینها در یک صف برای حفظ نظام دیموکراسی، آزادی بیان و دیگر دست آورد های سیزده سال اخیر اطمینان بخش بوده و از طرح های ترس بر انگیزی که در گذشته مبنی بر استقرار نظام فدرالیزم، انتخاب والی ها از سوی مردم در محلات با در نظر داشت دست درازی و دخالت های بیشترانه دولت های همسایه در امور افغانستان محسوس بود، اینک خوشبختانه در آینده در تشکیل دولتی با چنان قاعده وسیع تا حدودی آن نوع خطرات را از ذهن انسان می زداید.

ولی در اوضاع جاری کشور خواب خوش رفتن به ارگ ریاست جمهوری چندان دیر پا و آرام نخواهد بود:

- ۱ - فعالیت های تروریستی با حمایت دولت پاکستان ادامه دارد.
- ۲ - وضع فلاکت بار اقتصادی و از جمله ده میلیون انسان آماده کار، چهار میلیون آن بیکار اند که سالانه ده ها هزار فارغان مکاتب و پوهنتون ها نیز در بازار بیکاری سرازیر می شوند.
- ۳ - تیم دوکتور اشرف غنی احمد زی، و حامیان نزدیک او، اگر در دور دوم به پیروزی نرسند ولو از ادعا و دعوی برحق بودن خود بگذرند ولی از ادعای داشتن حمایت دو میلیون نفری خود نخواهند گذشت، حتماً انتظار جاه و مقام را در تشکیل دولت آینده خواهند داشت، اینها و یکعده کسانیکه در دولت کرزی جاه و مقام شان را از دست خواهند داد آرام نخواهند نشست.
- ۴ - فساد گسترده در همه نهاد های دولت و جامعه.

■ ۵ - مهمتر از همه در اثر رقابت های اقتصادی و سیاست های منطقه ای که دولت چین، روسیه، هند و ایران در برابر سیاست های هژمونی طلبی امریکا باهم نزدیک شده اند و اخیراً گرایش رئیس جمهور کرزی نیز به جانب قدرت های منطقه ای بوده، ولی معلوم نیست که با آنهمه مشکلاتی که در بالا به آن اشاره گردید و شکل گیری های تازه منطقه ای دوکتور عبدالله چه راهی را در پیش خواهد گرفت؟ راه دوکتور اشرف غنی احمدزی روشن بوده که جانب امریکا را داشته و به همین لحاظ چندان روابطش با رئیس جمهور کرزی خوب نبوده و شاید یکی از عواملی که او نتواند به ریاست جمهوری برسد همین عامل خواهد بود، با این حال عاقبت به خیر.

<sup>۲</sup> حتماً منظور نویسنده از کلمه لاتین (پراتیک) (پرتیک) است که «عملی» معنی میدهد و در اینجا باید کلمه (عمل) استفاده شود نه عملی. «وان - ادیتور پورتال»